

فهرست

افغانستان و سوریه؛ دو بازار تازه صنعت برق ایران..... ۳۴
مشکل نیروگاه‌های خصوصی در بازپرداخت اقساط وام صندوق توسعه..... ۴۴
انحصار در خرید و مشتری برق سرمایه‌گذاری در ساخت نیروگاه را متوقف کرده است..... ۵۴
کاهش تولید نفت عراق برای تبعیت از توافق اوپک و متحدانش..... ۵۴
اعلام آمادگی مپنا برای تامین برق و خودروی برقی کیشمنطقه آزاد کیش..... ۶۴
تنزل جایگاه صندوق توسعه ملی در لایحه بودجه ۱۳۹۹..... ۷۴



ویژه اعضا
خدمات بیمه درمان تکمیلی، عمر و حادثه گروهی
ویژه شرکت‌های عضو سندیکا

روندرو به افول صنایع پایین دستی

فرش قرمز سیاستگذاران برای صنایع مادر

علیرضا کلاهی؛ نایب رییس کمیسیون صنایع و معادن اتاق بازرگانی تهران

چرا مسیر توسعه برای صنایع ایران ناهموار و حتی گاه صعب‌العبور است؟

پاسخ این سوال اگرچه بسیار روشن و ساده به نظر می‌رسد، اما شامل عوامل پیچیده‌ای در سیاستگذاری‌های کلان اقتصاد است که رفع آن‌ها بیش از هر چیز نیازمند بازنگری‌های گسترده در ساختارهای اقتصادی کشور است. صنعت ایران در راس از کشاورزی، معادن و منابع زیرزمینی غنی شکل می‌گیرد که شالوده اصلی اقتصاد ایران را بنا می‌گذارند. از وابستگی تمام شریان‌های حیاتی کشور به نفت و درآمدهای نفتی که بگذریم، در شاخه معادن زیرزمینی و صنایع مادر به گره‌های کور بسیاری بر می‌خوریم که مهمترین عوامل افت و افول صنایع پایین‌دستی و زنجیره بزرگ تامین آن‌ها محسوب می‌شوند.



علیرضا کلاهی؛ نایب رییس کمیسیون صنایع و معادن اتاق بازرگانی تهران و رئیس کمیته سازندگان سیم و کابل سندیکای صنعت برق ایران طی یادداشتی در روزنامه شرق به دلایل افول صنایع ساخت محور پرداخته است.

سیاست‌های بی‌صاحب

دکتر علی فرحبخش

پیش از آنکه به بحث اصلی ورود کنم، لازم می‌بینم مقدمه نه‌چندان کوتاهی را ارائه کنم. به‌عنوان فردی که سال‌هاست پروانه نظارت بر برق و تاسیسات الکتریکی را از سازمان نظام مهندسی اخذ کرده‌ام، موظفم از ابتدا تا انتهای یک پروژه بر تطابق اجرا با استانداردها و مقررات ملی نظارت کنم و فقط در صورتی به مجری گواهی پایان کار داده می‌شود که مهندسان ناظر شامل مهندسان معمار، سازه، برق و مکانیک صحت اجرای کار را تایید کنند. برای مثال اگر در پروژه‌ای که ناظر آن بوده‌ام، ۱۵ سال بعد بر اثر اتصال دو سیم برق، در یک ساختمان یا محل اجرای پروژه آتش‌سوزی صورت بگیرد، بلافاصله نزد مقام قضایی احضار خواهم شد و باید در خصوص اتهامات وارده از خود دفاع کنم. به همین دلیل مهندسان ناظر در همه جای جهان سالانه مبلغی به شرکت‌های بیمه تحت عنوان بیمه «مسئولیت مدنی» می‌پردازند تا در صورت بروز چنین حوادثی، مبلغ خسارت توسط

آنچه امروز به واسطه سیاست‌های اقتصادی در صنعت ایران جاری است به طور خلاصه به نبود ثبات کمی و قیمتی برای صنایع پایین دستی منجر شده است. ضعف رقابت پذیری اقتصاد ایران که در گزارش مجمع جهانی اقتصاد به درستی به آن اشاره شده، کاری‌ترین ضربه‌اش را به صنایع ساخت‌محور وارد کرده است.

بر اساس گزارش مجمع جهانی اقتصاد رتبه ایران در شاخص رقابت پذیری با ۱۰ پله سقوط در طول یک سال به ۹۹ رسیده است. بر اساس این گزارش اغلب کشورهای خاورمیانه در این شاخص از کشورمان پیشی گرفته اند و این مساله پیغامی جز زوال پرشتاب صنایع با ارزش افزوده بالا ندارد. در حقیقت این صنایع در فضای کنونی اقتصاد کشور به دلایل مختلفی که به درستی در شاخص‌های ارزیابی مجمع جهانی اقتصاد پیش‌بینی شده‌اند، قادر به برنامه‌ریزی برای تولید آتی نیستند. بی‌ثباتی عوامل مختلف اقتصادی آن‌ها را ناگزیر کرده که از بازارهای قراردادی و بلندمدت صرف‌نظر کرده و ظرفیت تولید خود را کاهش دهند. غالب صنایع ساخت‌محور ایران در حال حاضر با افزایش قیمت تمام شده و در نتیجه آن از دست دادن بازار داخلی و خارجی مواجه شده‌اند.

درست در همین شرایط بی‌ثبات، با وجود تحریم‌ها، جهش‌های ناگهانی قیمت‌ها و سیاست‌گذاری‌هایی که عمدتاً بر پایه بخشی‌نگری‌ها صورت می‌گیرد، صنایع بالادستی از وضعیت بسیار بهتری برخوردارند. این صنایع که فلزات اساسی و پتروشیمی‌ها، بخش اصلی آن را تشکیل می‌دهند، جزو صنایع انرژی‌بری محسوب می‌شوند که در وانفسای قیمت‌گذاری‌های یارانه‌ای سوخت، برق و آب سود قابل توجهی نصیبشان می‌شود. معافیت‌های مالیاتی و صادراتی

در ازای صدور کالاهایی که عملاً مواد اولیه صنایع پایین دستی محسوب می‌شوند هم بهره بزرگ دیگری است که صنایع مادر از سیاست‌گذاری‌های بخشی و گاه‌ها نادرست به دست می‌آورند.

در سایه همین سیاست‌گذاری‌ها سهم ارزش افزوده صنایع معدنی پایه از ۱۶/۵ درصد به ۳۸/۵ درصد در سال ۱۴۰۰ خواهد رسید. سهم صنایع شیمیایی و پالایشگاهی از ارزش ستانده صنعتی هم از ۳۳/۷ به ۴۳/۶۲ درصد خواهد رسید و افزایشی ۹/۹۲ درصدی را تجربه خواهد کرد. در مقابل، اما صنایع پایین دستی که اساساً زنجیره تامین و زمینه اشتغالزایی گسترده‌ای دارند تا افق ۱۴۰۰ رو به کاهش خواهد بود. به عنوان مثال سهم صنایع فلزی و کانی غیرفلزی (معدنی) از ۱۹/۱۹ درصد در سال ۱۳۹۳ به ۱۷/۵۴ درصد تا پایان سال ۱۴۰۰ کاهش خواهد یافت. ارزش افزوده صنایع غذایی و نساجی (کشاورزی پایه) هم روی دور افول از ۲۲/۱۶ درصد به ۱۸/۱۹ درصد خواهد رسید.

در این روند، ارزش ستانده صنعتی صنایع خودروسازی، ماشین‌آلات مولد برق و مکانیکی (ساخت محور) هم که سهمی ۱۳/۳۳ درصدی در ارزش افزوده کل کشور در سال ۹۳ داشته‌اند، در پایان برنامه ششم توسعه تا مرز ۱۱/۲۳ درصد کاهش خواهد یافت. ارزش افزوده سایر صنایع نیز از ۱۱/۶۳ درصد به ۹/۴۲ درصد خواهد رسید.

بررسی ترکیب رشته فعالیت‌های صنعتی کشور طی برنامه‌های توسعه اقتصادی بر حسب سهم از ارزش افزوده صنعتی تصویر درستی از روند توسعه، افول و قدرت‌یابی صنایع مختلف در طول بیش از سه دهه گذشته نشان می‌دهد. در برنامه اول توسعه صنایع غذایی و آشامیدنی با سهم ۲۴/۴۵ درصدی بیشتری سهم را از ارزش افزوده صنعتی کشور

داشت. در همان سال‌ها منسوجات با ۱۳/۵۴ درصد در رده دوم قرار داشت و صنایع کانی غیرفلزی هم با ۸/۵۱ درصد جایگاه سوم را در ارزش افزوده صنعتی کشور دارا بودند.

در آن زمان سهم فلزات اساسی از ارزش افزوده صنعتی کمتر از ۹ درصد بود و سهم صنایع پالایشگاهی کمی بیشتر از ۳ درصد بود.

در برنامه پنج ساله دوم این ارقام با تفاوتی مدود با همان ترکیب تکرار شد هر چند در طول این برنامه سهم فلزات اساسی تا ۹/۵۱ درصد افزایش یافت، اما همچنان صنایع غذایی و آشامیدنی با سهم ۲۰/۳۴ درصدی در راس تولید ارزش افزوده صنعتی ماند.

در سومین برنامه توسعه کشور سهم صنایع در تولید ارزش افزوده تغییری قابل توجه یافت. در طول این برنامه صنایع غذایی و آشامیدنی سهم خود را با فلزات اساسی، مواد و محصولات شیمیایی و وسایل نقلیه موتوری تقسیم کردند تا همه این صنایع سهمی بین ۱۱ تا ۱۳ درصدی داشته باشند. نکته جالب توجه این است که در طول سه برنامه

توسعه سهم منسوجات و صنایع نساجی به صورت مداوم در حال آب رفتن بوده به طوری که در طول برنامه سوم توسعه منسوجات سهمی ۶/۵۱ درصدی از ارزش افزوده صنعتی کشور داشتند. ساختار ارزش افزوده صنعتی کشور در طول برنامه چهارم توسعه باز هم به نفع فلزات اساسی، صنایع پالایشگاهی و مواد و محصولات شیمیایی تغییر یافت. در طول این برنامه فلزات اساسی ۱۳/۳۹ درصد از ارزش افزوده صنعتی کشور را به خود اختصاص دادند تا آرام آرام جای خود را در بطن اقتصاد ایران باز کنند. نوار برنامه پنجم توسعه جهش صنایع پالایشگاهی و نیز مواد و محصولات شیمیایی را نشان می‌دهد در حالی که برای سایر صنایع سهمی بین ۲ تا

۵ درصد در نظر گرفته شده است. فلزات اساسی هم همچنان یکی از میدان‌داران ارزش افزوده صنعتی باقی مانده است. این آمار به درستی نشان می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی ایران به سمت تقویت صنایع مادر حرکت کرده‌اند. بدون تردید این سیاست اگر به تقویت صنایع پایین دستی مصرف‌کننده کالاهای این دست از صنایع منجر می‌شد می‌توانست به شاه کلید توسعه صنعتی کشور و توسعه اشتغال بدل شود.

در مقابل، اما سیاست حمایت‌های مستمر از صنایع بالادستی و مادر، نوعی نگاه کاسب کارانه در این صنایع حاکم کرد. به این ترتیب آن‌ها در برزخ دولتی یا خصوصی بودن به سادگی کسب سود بیشتر را بر منافع ملی ارجح دانستند، محصولاتشان را به جای عرضه به تولیدکنندگان داخلی با قیمت منصفانه و احتساب یارانه انرژی قابل توجهی که دریافت می‌کنند، با قیمت‌های جهانی صادر و بالاتر از قیمت‌های جهانی در بازارهای داخلی عرضه کردند.

در شرایط تحریم و رکود دسترسی گسترده به منابع طبیعی و زیرزمینی می‌توانست به یک مزیت رقابتی برای صنایع ایران در بازارهای داخلی و بین‌المللی بدل شود، اما نتیجه کاملاً عکس بود. هدفگذاری‌ها تغییر کرد و صنایع مادر به جای تامین نیازهای تولیدکنندگان داخلی برای صادرات به رقابت به آن‌ها پرداختند و در مسابقه کسب سود در راس فهرست قرار گرفتند. در نهایت آنچه تغییر کرد الگو و ساختار توسعه صنعتی در اقتصاد ایران بود.

در این ساختار صنایع فلزات اساسی، صنایع پالایشگاهی و صنایع شیمیایی، سهمی رو به افزایش از ارزش ستانده صنعتی دارند به طوری که ارزش افزوده آن‌ها از ۳۳/۹ درصد ظرف ده سال

برق ایران و عراق بودیم. اکنون نیز پیگیر انجام بقیه برنامه‌ها هستیم، اما طبیعتاً شرایط سیاسی عراق بر روند این قرارداد تأثیر گذاشته است.

وی افزود: با توجه به شرایط به وجود آمده، ورود ما به بازارهای صادراتی سخت‌تر شده است. این سختی حتی در بازارهای سنتی ما نیز وجود دارد. طبیعتاً ایران از شرایط به وجود آمده در عراق متأثر می‌شود. این تأثیر را می‌توان در کاهش روند صادرات خدمات فنی و مهندسی شاهد بود.

باقری با بیان اینکه تمرکز خود را بر صادرات به افغانستان و سوریه گذاشته ایم، گفت: ما در پی توسعه فعالیت‌های خود در بازارهای سنتی و جدید هستیم. به دنبال اجرای این سیاست سفرهایی به افغانستان انجام و قراردادهایی نیز امضا شد که در حال پیگیری هستیم. البته فضای سیاسی افغانستان نیز چالش‌هایی دارد که موجب کُندبودن فعالیت‌ها می‌شود. در عین حال، سوریه، بازار مستعدی است و از حضور ایرانی‌ها نیز استقبال می‌کند.

رئیس کمیته صادرات برق سندیکای برق درباره آخرین وضعیت قراردادهای این سندیکا با وزارت نیرو توضیح داد: بسیاری از قراردادهای ما با وزارت نیرو به دلیل نوسانات ارزی به چالش خورده و متوقف شده است، چرا که بنگاه‌های اقتصادی توان تأمین مالی اجرای این قراردادها را ندارند.

باقری درباره تأثیر تعرفه برق بر جذب سرمایه گذاران برای رمزارزها گفت: شیوه‌نامه‌ای که برای تعرفه برق این صنعت مشخص شد تا حدی ابهامات این حوزه را کم کرد و در نهایت فعالیت ماینینگ رمزارز را به عنوان صنعت شناخت. البته این نرخ برای جذب سرمایه گذار گران است. به خصوص در شرایطی مانند زمستان که در پیک مصرف برق نیستیم و با مازاد مصرف رو به رو هستیم.



افغانستان و سوریه؛ دو بازار تازه صنعت برق ایران

فصل تجارت - رییس کمیته صادرات برق سندیکای برق ایران گفت: حضور صنعت برق ایران در حال حاضر در بازارهای صادراتی حتی بازارهای سنتی دشوار شده و به همین دلیل شاهد کاهش صادرات خدمات فنی و مهندسی هستیم.

پیام باقری، رئیس کمیته صادرات برق سندیکای برق ایران در گفت و گو با خبرنگار مهر در پاسخ به این سوال که رخدادهای اخیر عراق چه تأثیری بر همکاری‌های صنعت برق دو کشور داشته است، اظهار داشت: یک برنامه ۳ ساله با عراق در بخش صنعت برق داشتیم که بر اساس آن قرار بود شبکه برق ایران و عراق در سال نخست سنکرون شود. در سال دوم کاهش تلفات شبکه برق عراق و برای سال سوم توسعه ظرفیت‌های تولید در برنامه قرار داشت؛ در آبان ماه سال جاری شاهد سنکرون اولیه شبکه



فراخوان دوره آموزشی «رفع اشکال بیمه‌های مهندسی و مسئولیت و آشنایی با خدمات بیمه تعاون»

دوره آموزشی «رفع اشکال بیمه‌های مهندسی و مسئولیت و آشنایی با خدمات بیمه تعاون» روز چهارشنبه ۴ دی ماه ۹۸ ساعت ۸:۳۰ الی ۱۲ با سخنرانی مهندس محمد باباگردی، دبیر سندیکای بیمه‌های مهندسی کشور در طبقه اول سالن امین‌الضرب اتاق تهران؛ واقع در خیابان بهشتی، خیابان قائم مقام فراهانی، کوچه میرزا حسنی، پلاک ۱۸ برگزار می‌شود.

علاقمندان جهت ثبت‌نام در این دوره معرفی‌نامه خود را تا پایان وقت اداری ۹۸/۱۰/۰۳ به شماره فکس ۸۸۸۲۴۶۶۹ و یا آدرس ایمیل courses.apec@gmail.com ارسال و جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره‌های ۰۲۱-۸۸۳۱۸۷۰۱ تماس حاصل فرمایند.

آشنایی با قوانین و کلیات بیمه مسئولیت، بیمه‌نامه درمان تکمیلی، بیمه نامه مسئولیت مدنی کارفرما در قبال کارکنان، بیمه‌های تمام خطر پیمانکاری و تمام خطر نصب، بیمه‌نامه مسئولیت حرفه‌ای و ... سرفصل‌های این دوره هستند
شایان ذکر است شرکت در این دوره رایگان است.

حرارتی کشور متعلق به بخش غیردولتی است، گفت: بخش خصوصی در تولید برق کشور نقش مهم و پررنگی دارد، پس باید دولت و وزارت نیرو به این بخش توجه ویژه‌ای داشته باشد.

وی ادامه داد: همان طور که دولت می‌داند سرمایه‌گذاری‌های طرح‌های نیروگاهی غالباً با استفاده از تسهیلات ارزی و وام از محل صندوق توسعه ملی صورت گرفته است، اما ثابت ماندن نرخ خرید تضمینی برق از سوی وزارت نیرو و نوسانات شدید نرخ ارز در دو سال اخیر توانایی بازپرداخت اقساط این وام‌ها توسط نیروگاه‌های خصوصی را غیرممکن کرده است.

*متوسط رقم سرمایه‌گذاری برای احداث یک نیروگاه سیکل ترکیبی چقدر است؟

مدیر عامل اسبق شرکت توانیر با تاکید بر اینکه سرمایه‌گذاران برای بازپرداخت اقساط با مشکلات جدی مواجه هستند، اظهار داشت: متوسط رقم سرمایه‌گذاری برای احداث یک نیروگاه سیکل ترکیبی با ظرفیت ۴۸۴ مگاوات حدود ۳۱۰ میلیون یورو است و سرمایه‌گذار باید تسهیلات اخذ شده را به همراه سود متعلقه طی پنج و نیم سال و با اقساط سالیانه حدود ۶۰ میلیون یورو بازپرداخت کند. پس با این شرایط اقتصادی حاکم بر کشور و ثابت ماندن نرخ خرید تضمینی برق مشکلات دو چندان شده است.

رئیس سندیکای شرکتهای تولیدکننده برق ادامه داد: این موارد باعث شده تا درآمد حاصل از فروش برق این نیروگاه‌ها به صورت تضمینی و پس از آن در بازار برق که نرخ آن توسط وزارت نیرو مدیریت می‌شود، به هیچ وجه جوابگوی بازپرداخت تسهیلات دریافت شده نباشد. وی خاطر نشان کرد: عدم پرداخت به موقع

مطالبات ناشی از فروش برق در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷، فرصت تأمین ارز با نرخ‌های قبل از افزایش و پرداخت اقساط در زمان سررسید را از تولیدکنندگان گرفته است.

وی ادامه داد: واضح است که در شرایط فعلی و در صورت عدم رفع مشکل تحمیل شده به نیروگاه‌ها و بر مبنای مدل مالی واقعی هر یک از طرح‌های اشاره شده، نیروگاه‌های مذکور توان ادامه کار را نخواهند داشت؛ این امر تبعات منفی زیادی را متوجه صنعت برق می‌کند و در نهایت سبب کاهش انگیزه بخش خصوصی و به تبع آن وقفه در تأمین برق پایدار می‌شود.

وحدتی گفت: مشکل فعالان بخش خصوصی، اقتصاد برق و فروش آن با قیمت‌های تکلیفی است در حالی که در قانون اصل ۴۴ قانون اساسی آمده که اگر دولت بر اساس ضوابط قانونی، تکلیف کرد که محصولی به قیمت کمتر از قیمت واقعی و تولید شده فروخته شود، دولت مکلف است مابه التفاوت آن را پرداخت کند. در قانون حمایت از صنعت برق نیز ذکر شده که دولت موظف است این مابه التفاوت را در بودجه دیده و هر سه ماه یکبار به تولیدکنندگان برق پرداخت کند، اما این بندهای قانونی اجرا نمی‌شود.

***اگر چاره داشتیم، تولید برق را متوقف می‌کردیم**
همچنین رضا حدادیان عضو سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق گفت: امروز بخش خصوصی تقاضا دارد وزارت نیرو نیروگاه‌ها را از بخش خصوصی تحویل بگیرد، چرا که مشکلات این عرصه به اندازه ای است که اگر چاره داشتیم، تولید برق را متوقف می‌کردیم.

وی ادامه داد: باید به توقف تولید برق با دید امنیتی نگاه می‌شود و از سوی دیگر اجازه صادرات برق را

نیز به بخش خصوصی نمی‌دهند و وزارت نیرو نیز از محل صادرات یک میلیارد دلاری برق، پرداختی به بخش خصوصی ندارد.

وی ادامه داد: بیش از یک سال است که در بخش تولید برق، پروژه جدیدی آغاز نشده است و با توجه به اینکه اگر ۶ تا ۱۰ سال دیگر بخواهیم افزایش ظرفیت در بخش تولید برق داشته باشیم، باید امروز کلنگ نیروگاه‌ها به زمین زده شود، پس با ادامه این روند، ۵ یا ۶ سال دیگر به خاموشی در تابستان می‌رسیم.

وی از توقف توسعه فاز دوم نیروگاه شوباد خبر داد و گفت: بیش از یک سال است که در بخش نیروگاهی، طرح جدیدی آغاز نشده است.

حدادیان ضمن اشاره به انحصاری بودن بازار برق که در اختیار دولت قرار دارد، گفت: برای احداث یک نیروگاه ۵۰۰ مگاواتی حدود ۲۶۰ میلیون یورو سرمایه‌گذاری نیاز است که معمولاً ۲۰ درصد توسط سرمایه‌گذار و مابقی از طریق اخذ وام از صندوق توسعه ملی تأمین می‌شود.

وی مدت‌زمان احداث یک نیروگاه را بین ۶ تا ۸ سال تخمین زد و افزود: نیروگاه‌های شوباد، تابان، سمنگان، هریس و کاسپین جزو نیروگاه‌هایی هستند که پیش از افزایش ناگهانی نرخ ارز از صندوق توسعه ملی وام گرفته و مکلف به فروش برق به دولت هستند، اما با ایجاد شوک ارزی امکان بازپرداخت تسهیلات خود را ندارند.

وی با بیان اینکه به لحاظ ماهیتی امکان ذخیره یا صادرات کالای برق وجود ندارد، خاطرنشان کرد: قطع برق و توقف فعالیت‌های نیروگاهی نیز مشکلات و آثار سوء اجتماعی را در پی خواهد داشت، بنابراین نمی‌توان نیروگاه‌های زیان‌ده را از مدار تولید خارج کرد.



مشکل نیروگاه‌های خصوصی در بازپرداخت اقساط وام صندوق توسعه

رئیس سندیکای شرکتهای تولیدکننده برق مدعی است، ثابت ماندن نرخ خرید تضمینی برق از سوی وزارت نیرو و نوسانات شدید نرخ ارز توانایی بازپرداخت اقساط توسط نیروگاه‌های خصوصی را که از صندوق توسعه وام دریافت کرده‌اند، غیرممکن کرده است.

به گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری فارس، محمدعلی وحدتی امروز در جمع خبرنگاران با اشاره به اینکه بیش از ۶۵ درصد نیروگاه‌های



کاهش تولید نفت عراق برای تبعیت از توافق اوپک و متحدانش

عراق به کاهش تولید نفت خود ادامه می دهد تا بیش از پیش از توافق کاهش تولید اوپک و متحدانش تبعیت کند.

به گزارش خبرگزاری تسنیم به نقل از نشریه انگلیسی زبان ایراک اوایل رپورت، عراق به کاهش تولید نفت خود ادامه می دهد تا بیش از پیش از توافق کاهش تولید اوپک و متحدانش تبعیت کند. هدف از این توافق تقویت قیمت نفت است.

بر اساس اطلاعاتی که از میداين نفتی عراق به دست آمده است، دولت فدرال این کشور و دولت منطقه ای کردستان روی هم ۴,۷۱ میلیون بشکه در روز در ماه اکتبر و ۴,۶۹ میلیون بشکه در روز در نوامبر، نفت تولید کردند.

ثامر الغضبان، وزیر نفت عراق در وین اظهار داشته بود که عراق و سایر کشورها از کاهش بیشتر تولید نفت طبق توافق اوپک حمایت خواهند کرد.

عراق دومین تولیدکننده بزرگ اوپک است که به خاطر شرایط پیچیده سیاسی و وابستگی بالا به درآمدهای نفتی برای بازسازی پس از سالها جنگ، همواره بیشتر از سهمیه اش طبق توافق اوپک تولید کرده است.

رفسنجانی و احمدی نژاد نرخ ارز سه برابر و در دولت دوازدهم نرخ ارز چهار برابر رشد داشت و این باعث شد تا سر بارگذاری ها توسط بخش خصوصی در صنعت برق و نیروگاهی با مشکل مواجه شود. تقی زاده اضافه کرد: مشکلات بوجود آمده در صنعت برق باعث شده تا سرمایه گذاری بخش خصوصی در صنعت برق و نیروگاهی از یک سال گذشته کم رنگ شود و به گونه ای در یک سال گذشته نیروگاه جدید شروع به احداث نشده است.

وی به راهکارهای ارائه شده برای جبران تبعات افزایش نرخ ارز در نیروگاههایی که تسهیلات خود را از صندوق توسعه ملی دریافت کرده اند اشاره کرد و گفت: یکی از راهکارهایی که می تواند در این خصوص راهگشا باشد این است که با توجه به افزایش ناگهانی نرخ ارز، بدهی ارزی سرمایه گذاری به ریال با نرخ زمان گشایش و اعمال بهره به این بدهی ها با نرخ های رسمی تبدیل شود.

به گفته وی یکی دیگر از راهکارها می تواند تامین مابه التفاوت نرخ ارز رسمی با نرخ های نیمایی برای اقتصاد معوق و اصلاح نرخ های خرید تضمینی باشد.

تقی زاده با اشاره به اینکه وزارت نیرو می تواند برای جبران تغییرات ناگهانی ارز ۳۰ درصد ارز حاصل از صادرات برق را برای بازپرداخت اقساط سرمایه گذاری که تسهیلات خود را از صندوق توسعه ملی دریافت کرده اند اختصاص دهد گفت: برخی از سرمایه گذاران در سال ۹۳ بالغ بر ۲۵۰ میلیون یورو از صندوق توسعه ملی تسهیلات دریافت کرده اند و حالا به دلیل اینکه درآمد آنها ریالی است در باز پرداخت اقساط با مشکل مواجه شده اند. وی افزود: وزارت نیرو در سال یک میلیارد دلار در ازای صادرات برق درآمد کسب می کند پس می تواند با اختصاص درصدی از صادرات برق به نیروگاه های بخش خصوصی کمک خوبی به آنها کند.



آنچه که مورد اهمیت است این است که بخش خصوصی در صنعت برق بنا به دلایل مختلفی دچار مشکلات اساسی شده است.

تقی زاده با تاکید بر اینکه برق یک کالای استراتژیک است اظهار داشت: در کشور برق یک کالای انحصاری از لحاظ مشتری است و دولت برق را از نیروگاه های غیردولتی خریداری و به مصرف کنندگان به فروش می رساند.

نایب رئیس سندیکای تولیدکنندگان برق ادامه داد: موضوعی که حائز اهمیت است و بخش خصوصی تولیدکننده برق را با مشکل مواجه می کند این است که انحصار در خرید و مشتری برق وجود دارد. وی با اشاره به اینکه اقتصاد کشور به گونه ای است که هر چند سال یکبار نوسانات نرخ ارز در کشور رخ می دهد بنابراین ما به دنبال راهکارهایی برای مرتفع شدن این موضوع برای صنعت برق و صنعت نیروگاهی هستیم تاکید کرد: در دولت هاشمی

انحصار در خرید و مشتری برق سرمایه گذاری در ساخت نیروگاه را متوقف کرده است

نایب رئیس سندیکای تولیدکنندگان برق با اشاره به اینکه ۲۲ میلیارد دلار سرمایه گذاری در صنعت برق توسط بخش غیردولتی انجام شده اما یک سال است که استارت احداث نیروگاه جدیدی نخورده است گفت: انحصار در خرید و مشتری برق مشکلات اساسی در صنعت برق ایجاد کرده است.

به گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری فارس، حسنعلی تقی زاده با اشاره به اینکه بخش غیر دولتی در صنعت برق ۲۲ میلیارد دلار سرمایه گذاری انجام داده است گفت: در حال حاضر ۸۲ هزار مگاوات نیروگاه نصب شده در کشور داریم که ۴۱ هزار مگاوات آن تحت تملک بخش غیردولتی است اما



دربازدید غلامحسین مظفری از مپنا مطرح شد:

اعلام آمادگی مپنا برای تامین برق و خودروی برقی کیشمنطقه آزاد کیش

غلامحسین مظفری با اشاره به نیازهای روزافزون کیش به برق، آب و برقی کردن خودروها، بر ضرورت اجرایی شدن همکاری‌های مشترک با مدیریت گروه مپنا تأکید کرد.

به گزارش روابط عمومی و امور بین الملل سازمان منطقه آزاد کیش، غلامحسین مظفری مدیرعامل این سازمان به همراه ناصر آخوندی معاون اقتصادی و سرمایه گذاری، معراج نادری مدیر سرمایه گذاری این سازمان، محمود نوکاربیزی عضو هیأت مدیره شرکت عمران، آب و خدمات منطقه آزاد کیش، باهدف آشنایی بیشتر با توانمندی‌های گروه مپنا در حوزه ساخت تجهیزات و ارائه خدمات فنی، مهندسی و پشتیبانی و بررسی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و همکاری‌های مشترک از کارخانجات گروه مپنا بازدید کردند.

در این بازدید که یکشنبه اول دی صورت گرفت، همکاری‌های مشترک از جمله طرح‌های پیشنهادی جامع تأمین برق و آب، طرح خودرو و تاکسی برقی، توسعه زیرساخت شارژ هوشمند خودرو در کیش و ... مورد بررسی قرار گرفت.

عباس علی‌آبادی مدیرعامل گروه مپنا با همراهی مدیرعامل شرکت مهندسیو ساخت توربین مپنا، به شرح فعالیت‌ها، حوزه‌های کاری و توانمندی‌های این گروه در حوزه‌های مختلف کسب و کار پرداختند.

"علی‌آبادی" دستاوردها و توانمندی‌های مپنا در زمینه ساخت نیروگاه‌های برق، تولید همزمان برق و آب، برقی سازی خودروها و ... را تشریح و بر آمادگی گروه مپنا جهت پاسخگویی به نیازهای منطقه آزاد کیش در این حوزه‌ها تأکید کرد.

مدیرعامل گروه مپنا گفت: مپنا توان تأمین برق منطقه آزاد کیش را با سه راه حل کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت از طریق نصب (به ترتیب) واحدهای موبایل ۲۵ مگاوات، واحدهای MGT –

40 به ظرفیت ۴۲ مگاوات و واحدهای MGT – 70 به ظرفیت ۱۸۵ مگاوات دارد، ویژگی مهم این پروژه‌ها آن است که تمام این قطعات و سرویس‌ها در کارخانجات مپنا انجام می‌شود و هیچ‌گونه وابستگی خارجی ندارد، ضمن آنکه همزمان در کنار تولید برق می‌توان آب شیرین نیز تولید کرد و الزامات زیست محیطی نیز رعایت شود.

"غلامحسین مظفری" مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش نیز با اشاره به حجم بالای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های در دست اجرای کیش و با اشاره به موقعیت جغرافیایی کیش، برخی نیازهای این منطقه از جمله برق و آب را مورد اشاره قرار داد و گفت: کیش ظرفیت مناسبی برای سرمایه‌گذاری دارد که از ظرفیت متوسط سرزمین اصلی نیز بالاتر است.

وی افزود: در کیش حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان پروژه در دست اجرا است و این حجم سرمایه‌گذاری نیاز به برق و آب مطمئن دارد و گروه مپنا قطعاً می‌تواند نقش مهمی در این زمینه ایفا کند.

در ادامه، مدعوین از سالن مونتاژ توربین‌های صنعتی، سالن تست توربین و سالن بخار شرکت مهندسی و ساخت توربین مپنا (توگا) و دستاوردهای این مجموعه از جمله توربین MGT – 70 (3) بازدید کردند.

به گفته مدیرعامل گروه مپنا، این مدل توربین در پروژه‌های صادراتی مپنا از جمله نیروگاه رمیله عراق نیز نصب شده است و نسبت به نمونه مشابه خارجی در همان محدوده جغرافیایی، راندمان و کیفیت بالاتری نشان داده است، ضمن آنکه با تحقیق و توسعه، در آینده نزدیک، توربین گازی ۲۲۰ مگاواتی با راندمان ۵۹ درصد در حالت سیکل ترکیبی عرضه خواهد شد.

بازدید از سالن تولید کارخانه شرکت پره‌توربین مپنا (پرتو) و آشنایی با روند تبدیل طرح‌های تحقیق و توسعه به محصول نهایی و فناوری‌های پیشرفته به‌کارگرفته‌شده در تجهیزات نفت و گاز و نیرو، بازدید از سالن‌های کارخانه شرکت ژنراتور مپنا (پارس) از جمله مراحل مختلف طراحی پایه، توسعه محصول، طراحی تفصیلی، کارگاه‌های ماشین‌کاری سنگین و مراحل ساخت توربین‌های بادی ۲، ۲،۵، ۴ و ۴،۵ مگاواتی و نیز بازدید از مرکز توسعه خودرو برقی و زیرساخت‌ها و آزمایشگاه تخصصی زیرساخت‌های شارژ محرکه‌های الکتریک MAPCS در شرکت برق و کنترل مپنا (مکو) از دیگر برنامه‌های مدعوین بود.

غلامحسین مظفری نیز در پایان بازدید خود با ابراز خرسندی از بازدید صورت گرفته از کارخانجات گروه مپنا، با اشاره به نیازهای روزافزون کیش به برق و آب و برقی سازی خودروها، بر ضرورت اجرایی شدن همکاری‌های مشترک با مپنا تأکید کرد.

وی افزود: هدف از این بازدید‌ها، آشنایی با ظرفیت‌های صنعتی کشور برای استفاده در جزیره کیش است.

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش ادامه داد: در دوران تحریم ما باید از امکانات و توانمندی‌های مختلف کشور در حوزه صنعت و اقتصاد برای رونق تولید و ایجاد کسب و کار در جزیره کیش استفاده کنیم. ما وقتی امکانات و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در کیش را برای واحد‌های صنعتی و اقتصادی تبیین می‌کنیم؛ در تصمیم‌سازی این واحد‌ها برای ورود به جزیره زیبا کیش موثر است و امیدواریم که این گونه بازدیدها به شکوفایی بیشتر کیش کمک کند.



یادداشت یلداراهدار برای پایگاه خبری اتاق ایران

تنزل جایگاه صندوق توسعه ملی در لایحه بودجه ۱۳۹۹

راهدار، عضو هیات نمایندگان اتاق ایران معتقد است: فلسفه وجودی صندوق توسعه ملی ناکارآمدی حساب ذخیره ارزی بوده و نباید به این صندوق به عنوان حساب پس انداز دولت نگاه کرد. دولت باید منابع بودجه را منطقی تر برآورد کرده و منابع جایگزین برای کاهش درآمدهای نفتی ناشی از تحریمها پیش بینی کند، به گونه ای که کمترین فشار به بخش خصوصی و اقشار مختلف جامعه وارد شود.

راهدار، عضو هیات نمایندگان اتاق ایران معتقد است: فلسفه وجودی صندوق توسعه ملی

می توان در فواصل شش ماهه از موجودی حساب ارزی برداشت کرد. طبق بند "ب" ماده ۱۷ قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور مصوب سال ۱۳۹۵، عواید حاصل از صادرات نفت اعم از نفت خام و میعانات گازی به صورت نقدی و تهاتری و درآمد دولت حاصل از خالص صادرات گاز پس از کسر مصارف ارزی پیش بینی شده در جداول قانون بودجه کشور به حساب ذخیره ارزی واریز می شود. پس از ابلاغ سیاست های کلان اقتصادی توسط مقام معظم رهبری در قانون برنامه پنجم توسعه ایجاد صندوقی تحت عنوان صندوق توسعه ملی به تصویب رسید. صندوق توسعه ملی ایران به دنبال تجربه های موفق متعدد در سایر کشورها در زمینه مدیریت درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی با عنوان صندوق های ثروت ملی فعالیت خود را از سال ۱۳۸۹ آغاز کرد. بر اساس ماده ۸۴ قانون برنامه پنجم توسعه صندوق توسعه ملی باهدف تبدیل بخشی از عواید ناشی از فروش نفت و گاز و میعانات گازی و فرآورده های نفتی به ثروت های ماندگار، مولد و سرمایه های زاینده اقتصادی و نیز حفظ سهم نسل های آینده از منابع نفت و گاز و فرآورده های نفتی تشکیل می شود. در اساسنامه صندوق توسعه ملی، یا همان ماده ۱۶ قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور، واریز سالانه ۳۰ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و میعانات گازی و خالص صادرات گاز به صندوق، حداقل ۲۰ درصد ارزش صادرات تهاتری اقلام فوق الذکر و افزایش سهم واریزی از منابع دو بند پیشین هر سال به میزان ۳ واحد درصد به علاوه موارد دیگر تعیین شده است.

اگرچه درآمدهای حساب ذخیره ارزی و صندوق توسعه ملی برای توسعه تولید و سرمایه گذاری و

تسهیلات بخش خصوصی استفاده می شود اما تفاوت مهم حساب ذخیره ارزی و صندوق توسعه ملی در این است که فلسفه ایجاد حساب ذخیره ارزی تعدیل نوسانات قیمت نفت و درآمدهای نفتی در بودجه بوده است و در صورت وجود درآمد نفتی بیش از پیش بینی بودجه، این مازاد به حساب ذخیره ارزی واریز می شود اما در مورد صندوق توسعه ملی قضیه برعکس است؛ یعنی قبل از هرگونه هزینه درآمدهای نفتی بایستی سهم مشخصی از این درآمدها به صندوق واریز شود و این سهم سالانه نیز افزایش یابد.

حال با توجه به مقدمات ذکر شده به بررسی جایگاه صندوق توسعه ملی در قانون بودجه ۱۳۹۸ و لایحه بودجه ۱۳۹۹ می پردازیم. در قانون برنامه ششم توسعه منابع حاصل از نفت و میعانات گازی برای سال ۹۸ و ۹۹ به ترتیب ۱۱۵۰ و ۱۲۳۷ هزار میلیارد ریال برآورد شده است. این در حالی است که این منبع درآمدی مهم دولت در قانون بودجه ۹۸، ۱۵۳۱ هزار میلیارد ریال و در لایحه ۹۹ با کاهش ۶۸،۴ درصدی و بالغ بر ۴۸۳ هزار میلیارد ریال برآورد شده است. بر اساس گزارش برنامه بودجه در پایان سال جاری کسری عملیاتی بودجه ۷۷۶ هزار میلیارد ریال خواهد بود. اگرچه در ماده ۱۶ قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور یا همان اساسنامه صندوق توسعه ملی استفاده از منابع صندوق برای اعتبارات هزینه ای و تملک دارایی های سرمایه ای و بازپرداخت بدهی های دولت به هر شکل ممنوع است، اما بر اساس مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی مورخ ۹۷/۰۴/۲۶، ۱۲ درصد از سهم ۳۲ درصدی منابع ارزی صندوق توسعه ملی برای نیازهای ضروری کشور ذخیره می شود و از مجموع این کسری ۷۷۹ هزار میلیارد ریالی دولت،

ترک کرد، از بدعهدی مدیران باشگاه گلّه می‌کند و ادعا دارد که باشگاه با این رفتارهای غیرحرفه‌ای به اعتبار او لطمه وارد کرده است. این صحبت‌ها باعث شد تا فشار هواداران بیشتر شود و از شخص وزیر ورزش، آقای سلطانی‌فر گرفته تا معاون سیاسی وزیر خارجه یعنی آقای عراقچی مستقیماً به این قضیه ورود کنند. مسوولان ادعان دارند که به علت وجود تحریم‌ها امکان پرداخت پول به آسانی فراهم نیست. از طرفی منتقدان داخلی مدعی هستند که قبل از تنظیم قرارداد مسوولان به این قضیه آگاه بودند و طرح این‌گونه مسائل بسیار عجیب است. باشگاه اقتصاددانان در پرونده امروز خود به موضوع قراردادهای مربیان و ورزشکاران داخلی و خارجی پرداخته و این نکته را زیر ذره‌بین خود قرار داده است که دلیل این حجم اتلاف منابع در ورزش چه بوده و چرا با وجود افزایش قیمت ارز، کماکان مدیران ورزشی از کیسه خلیفه می‌بخشند! باید توجه داشت که اقتصاد ورزش به استفاده از تئوری‌های اقتصادی برای تحلیل فعالیت‌های ورزشی اطلاق می‌شود یا به بیان دقیق‌تر اقتصاد ورزش به ارزیابی مسائل و الگوهای تخصیص بهینه منابع در سه بخش عملکرد ورزش، تولیدات ورزش و توسعه ورزش می‌پردازد. صنعت ورزش به مجموعه فعالیت‌های مرتبط با تولید، مبادله و بازاریابی کالاها و خدمات ورزشی گفته می‌شود که در ارتقای ارزش افزوده نقش داشته باشند. ورزش در بودجه خانوار و مخارج دولت در کشورهای توسعه‌یافته سهم قابل‌توجهی دارد؛ همچنین در دهه‌های گذشته در کشورهای در حال توسعه نیز سهم ورزش در مخارج خانوار و بودجه دولت افزایش پیدا کرده است که نشان‌دهنده اهمیت و تمایل ترجیحات افراد به سمت ورزش است.

خصوصی در ارتباط نبوده یا تامین مالی موردنیاز با سازوکاری غیر از بازار و از جیب دیگران انجام می‌گیرد، اندکی متفاوت است.

حوزه ورزش به دلایل مختلفی نظیر ضعف شدید در درآمدزایی و بهره‌گیری از پتانسیل‌های مرسوم در دنیا، حضور کوتاه‌مدت مدیران و مشخص نبودن مسوولیت و عواقب تصمیم‌گیری‌ها، کماکان شاهد ولخرجی‌های غیرمنطقی بوده و در بر همان پاشنه سابق می‌گردد. موضوعی که قاعدتاً منحصر به مربیان نبوده و در بحث بازیکن نیز هر ساله شاهد حضور بازیکنان بی‌کیفیتی هستیم که به‌جای واکاوی چگونگی جذب آن‌ها و بازخواست مدیران، به ابزار طعن و کری هواداران بدل می‌شوند و سطح پیگیری در همین حد مبتذل باقی می‌ماند!

در گزارش اخیر AFC عنوان شده در لیگ ایران ۵۹۲ بازیکن در ۱۶ باشگاه فوتبال شاغل هستند که از این تعداد بازیکن ۹۲ درصد را بازیکنان ایرانی و ۸ درصد باقی‌مانده را خارجی‌ها تشکیل می‌دهند. جالب است که در این گزارش صراحتاً اعلام شده که ارزیابی‌ها نشان می‌دهد قرارداد بازیکنان و دستمزدها در لیگ ایران حرفه‌ای و استاندارد نیستند. موضوعی که برای کارشناسان و ناظران داخلی نیز امری بدیع و غیرمترقبه نبوده و سیل شکایت‌های ارسالی به فدراسیون فوتبال، نشانه نقصی جدی در پروسه حرفه‌ای شدن فوتبال ما (و البته که سایر رشته‌های ورزشی) است. آنچه فراموش شده این است که حرفه‌ای شدن فقط شکل نیست، بلکه بخش اصلی آن، محتوا است.

مساله‌ای که در حال حاضر ذهن بخش زیادی از جامعه را درگیر خود کرده است، قرارداد آقای استراماچونی، سرمربی باشگاه استقلال است. او که دو هفته پیش در یک اقدامی ناگهانی ایران را

قراردادهای خارجی در فوتبال



کشور نیز طی این مدت نشان از تغییرات دو کفه ترازوی صادرات و واردات کشور در کالاهای دارای جانشین داخلی دارد. اما این داستان در حوزه‌هایی که مستقیماً با تصمیمات بخش

با بروز جهش ارزی از اواخر سال ۹۶ تقریباً قابل تصور بود که بخش واردات کشور نسبت به سابق دچار تفاوت شده و تقاضا به سمت کالاهای داخلی سنگین‌تر شود؛ بررسی ترازنامه وارداتی

نفس های سیاه این روزهای پایتخت که حال نفس های شهروندان را گرفته، میراث یکی دو روزه نیست. ماده شیمیایی در وسایل نقلیه که در هوای تهران است، ۱۰ برابر استاندارد جهانی است. شاید اگر جنگی اتفاق بیفتد، آمار تلفات آن کمتر از این آلودگی باشد. کافی است مجبور باشید برای انجام کاری تا سطح شهر رفت و آمد داشته باشید؛ آنوقت دردهای عجیب و غریب سراغ قفسه سینه و راه های تنفسی تان می آید. وجود ترکیبات هیدروکربنی سمی مثل اتان، بنزن، بوتادین، فرمالدئید، استالدئید و پروپان در بنزین مصرفی خودروها به مراتب خطرناکتر از سوختن زغالسنگ در مه دود فاجعه بار لندن دهه ۱۹۵۰ هستند که مرگ ناگهانی چهار هزار تن، تنها طی ۵ روز، لندن را در بُهت فرو برد. بعضی کارشناسان معتقدند هر تهرانی با این وضعیت ۵ سال کمتر عمر خواهد کرد.